

دکتر اسمعیل ابونوری
استاد دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر محمود محمود زاده
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
مهدیه شهرکی
کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی

تکانه های نفتی و تاثیرات آن بر اقتصاد

قیمت نفت خام در طول تاریخ همواره با نوساناتی مواجه بوده است. این نوسانات شدید قیمت از پدیده های مهم اقتصادی و سیاسی برای کشورهای تولید کننده و مصرف کننده بوده و مناظرات و بحث های بی شماری را برانگیخته است و هر یک از ناظران سیاسی و اقتصادی جهان به علت اهمیت روز افزون این ماده حیاتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی بشر، آن را از زوایای خاص مورد نقد و بررسی قرار داده اند. نفت به عنوان ماده اصلی تأمین انرژی جهان، همواره از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و هست. نفت تنها یک کالای با ارزش و قابل معامله در میان دیگر اقلام قابل مبادله جهانی نیست، بلکه کالایی است استراتژیک، مهم و پایان پذیر. ویژگی های بازار نفت در اقتصاد جهانی سبب شده که قیمت این کالا در کنار عوامل اقتصادی تحت تأثیر عوامل سیاسی نیز قرار گیرد. روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه ای به همراه مراجعه به اسناد و مدارک بوده است.

واژگان کلیدی: نفت، تکانه های نفتی، عوامل اقتصادی

مقدمه:

نفت به عنوان اصلی ترین عامل مهم تولید که موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم میسازد، از بدو استخراج و پالایش مورد توجه تمامی کشورهای جهان بوده است. بحران نفت از طریق هر عاملی که سبب بروز اختلال در طرف تقاضا یا عرضه نفت و متعاقب آن در بازار نفت شود بر اقتصاد جهان تأثیر خواهد داشت. به خصوص اگر این عامل یا عوامل غیر قابل پیش بینی و در کوتاه مدت غیر قابل تعدیل باشند، به عنوان تکانه های نفتی بر بازار نفت قلمداد می شوند. حال اگر این اختلالات بطور گسترده بر صحنه های اقتصادی یک یا چند کشور به نحوی اثر گذارند که اقتصاد داخلی آنها دچار مشکلات گسترده شود، این تکانه تبدیل به بحرانی برای اقتصاد آن کشورها می شود. نقش اساسی صنعت نفت در اقتصاد ایران همواره نقش مالی بوده و در واقع تأمین کننده ارز برای کشور بوده است، بدون آن که پیوند لازم را با سایر بخش های اقتصادی ایران برقرار نماید. درآمد نفتی عملاً مصرف بیش از حد را به دنبال داشته و به جای گسترش بخش هایی مانند کشاورزی و صنعت باعث گسترش بخش خدمات شده است.

بیان مسأله:

نوسانات قیمت نفت مقارن با تحولات شگرف اقتصادی بوده است. این امر سبب گردیده تا پژوهشگران به بررسی ارتباط این دو روند در طول زمان بپردازند. رخداد تکانه های عظیم نفتی و ظهور پدیده های مهم اقتصادی نظیر رکود جهانی، تورم و بیکاری، بیش از پیش نگاه ها را به این موضوع معطوف نموده است. افزایش ناگهانی قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ (تکانه های اول و دوم نفتی)، آثار بسیار مهمی بر روی متغیرهای اقتصاد جهانی به وجود آورد. آن دهه معرف پایان ناگهانی عصر رشد اقتصادی صرفاً بر پایه نفت بود که مشخصه دهه های پس از جنگ جهانی دوم تلقی می شود. ده ها شاخص اقتصادی جهانی از GNP تا نرخ بیکاری در حوالی سال ۱۹۷۳ افت شدیدی را نشان می دهد. رسوخ نفت در تمامی زوایای زندگی بشر آن را به صورت یک

مصرف کننده به این سطح قیمت ها رضایت دارند و به دلیل همین امر است که چندین سال است علی رغم افزایش در قیمت ها، با تغییرات شدیدی در تقاضا، مصرف یا عرضه مواجه نیستیم

تأثیر تکانه نفتی بر اقتصاد کلان

نفت خام یکی از مواد و ذخایر موجود در طبیعت است که از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار است. بازار این ماده به همراه قیمت آن دوران رکود و رونق متعددی را پشت سر گذاشته است. نفت خام در حیات سیاسی و اقتصادی ملتها به عنوان ارزانترین منبع انرژی جهان نقش اساسی داشته و به عنوان کالای استراتژیک در روابط بین الملل مطرح بوده است. افزایش یا کاهش قیمت نفت خام در کل اقتصاد جهانی نقش مهمی را ایفا می کند. تکانههای افزایش قیمت از یک طرف درآمد تولیدکنندگان نفت را افزایش داده است، اما نقطه مقابل این مسأله عکس العملی است که مصرف کنندگان نسبت به افزایش قیمت داشته و آن اقدامات و سیاستهایی است که موجب کارایی انرژی و بهینه سازی و جایگزینی مصرف انرژی می شود. تکانه های کاهش قیمت نفت تولیدکنندگان را به استفاده از ظرفیتهای مازاد سوق می دهد و به بحران کاهش قیمت شدت بیشتری می بخشد. گذشته نشان داده سیاستها و استراتژیهای سازمان اوپک کارایی چندانی از خود نشان نداده است، چرا که اکثر تولیدکنندگان نفت وابستگی به درآمدهای نفتی دارند و به سیاستهایی مثل کاهش تولید و فروش نمی توانند عمل کنند.

جهت تبیین آثار قیمت نفت بر اقتصاد کلان، از تئوری «اقتصاد نئوکلاسیکی» استفاده نموده است. در چارچوب تئوریک این نظریه، انرژی (نفت) به عنوان یکی از نهادهای تولید در تابع تولید اقتصاد در نظر گرفته می شود. زمانی که قیمت نهادهای افزایش می یابد، سطح حداکثر سود محصول کاهش می یابد. وی تأثیر تکانه نفتی و افزایش قیمت نفت را بر سه گروه از کشورهای جهان این گونه بیان می نماید:

الف) کشورهای توسعه یافته و صنعتی

انرژی به عنوان مهم ترین عامل تولید و از سویی دیگر به عنوان یک کالای مصرفی معمولاً کالایی است که دارای کشش جانشینی و کشش تقاضایی است، بنابراین حتی در مواقعی که سیاست های پولی و مالی مناسبی نیز اعمال شود، افزایش قیمت انرژی سبب کاهش درآمد ملی کشورهای صنعتی می شود و این مسأله پیامدهایی نظیر بیکاری خواهد داشت. اغلب پژوهشگران معتقدند که این رابطه برای کشورهای صنعتی غیرمتقارن است. به عبارت دیگر، به همان صورت که افزایش قیمت انرژی سبب کاهش تولید ناخالص و تورم و مشکلات اقتصاد کلان می شود، کاهش قیمت انرژی سبب افزایش تولید ناخالص ملی، رونق اقتصادی و کاهش شدید نرخ تورم نمی شود

ب) کشورهای توسعه نیافته مصرف کننده نفت

به نظر می رسد که کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی کمتر تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت هستند. این مسأله بیشتر

کالای حیاتی و ضروری درآورده است و اساساً در حال حاضر زندگی صنعتی بدون وجود نفت ممکن نیست. اکثر مطالعات موجود نشان می دهد که نفت به دلایل گوناگون از جمله سهولت در حمل و نقل و عدم وجود جانشین مناسب در برخی زمینها، تا سالیان متمادی همچنان سهم زیادی از کل مصرف انرژی جهان را در اختیار خواهد داشت. از این رو بدیهی است هرگونه نوسانی در روند تقاضا، عرضه، قیمت و سایر متغیرهای تأثیرگذار بر این بخش آثار بسیاری را بر اقتصاد کشورهای تولید کننده و مصرف کننده نفت در پی داشته و دارد و در بعضی موارد سبب بروز اختلالاتی در سیستم اقتصادی این کشورها گردیده است. به عنوان مثال همیلتون^۱ در مقاله خود (۲۰۰۳) نشان داده است که علت کاهش در تولید ناخالص ملی واقعی در آمریکا ناشی از قیمت اسمی نفت در دورههای قبل و بعد از تأسیس اوپک بوده است. برخی محققین نظیر همیلتون بر این اعتقادند که نه تنها رابطه مستقیمی بین تحولات متغیرهای اقتصاد کلان و تکانه های نفتی وجود دارد بلکه تکانه های نفتی عامل به وجود آمدن رکودهای اقتصادی بوده است.

تکانه نفتی چیست؟

به تغییرات ناگهانی در قیمت نفت تکانه نفتی گفته می شود. تکانه های نفتی که در اذهان عموم جای گرفته است می توان به سوابق ذیل اشاره داشت.

- اولین تکانه نفتی که بدنبال تلاش اوپک در ۱۹۷۲-۱۹۷۴ روی داد و ماحصل آن افزایش قیمت نفت از هر بشکه ۱،۹ دلار به ۱۰،۴۱ دلار رسید بعبارتی دیگر طی دوره مورد نظر قیمت نفت بیش از ۵ برابر افزایش یافت.
- دومین تکانه نفتی در سال ۱۹۷۸ یعنی ۱۳۵۷ خورشیدی روی داد که بروز انقلاب و اعتصابات کارکنان صنعت نفت ایران سبب قطع صادرات نفت ایران بعنوان یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت در دنیا سبب افزایش قیمت نفت گردید و قیمت نفت در بازار تک محموله ای به ۴۰ دلار در هر بشکه رسید.
- سومین تکانه نفتی برخلاف دو تکانه اول و دوم، سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۸۵ را در پی داشت که در طول آن سال قیمت نفت تا ۱۱ دلار سقوط کرد.
- چهارمین تکانه نفتی در سال ۱۹۹۱ بدنبال اشغال کشور کویت توسط ارتش عراق و بدنبال آن حمله آمریکا و متحدینش به عراق پدید آمد و قیمت نفت تا ۴۰ دلار افزایش یافت.

امروزه بسیاری از کارشناسان معتقدند که افزایش و کاهش قیمت های نفت طی چند سال اخیر را نمی توان "تکانه نفتی" نام نهاد چرا که اگر بخواهیم تکانه نفتی را تعریف کنیم باید تکانه ها و نوساناتی را در نظر بگیریم که پس از رفع عامل تکانه از بین رفته و قیمت را به قبل از نوسان باز می گرداند در صورتی که در افزایش قیمت اخیر چنین امری را شاهد نیستیم و گویا هم کشورهای تولیدکننده و هم کشورهای

1. Hamilton, J.D.

- تدارک ارز خارجی برای رفع نیازهای مصرف خصوصی و دولتی و تقویت جریان تشکیل سرمایه
 - ایجاد درآمد برای بودجه عمومی دولت
- اقتصاد کشور در شرایط کنونی در هر دو زمینه به جریان تولید و درآمد صادراتی نفت وابسته است و به نظر نمی رسد که حداقل طی دو دهه آینده نیز در صورت تداوم وضعیت موجود اقتصادی در ایران و در سطح بین المللی، بتواند خود را از این نیاز و وابستگی خارج سازد. نقش نفت به عنوان تأمین کننده سوخت ارزان و تأمین کننده ماده اولیه صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی، در مقایسه با نقش مالی و ارزی آن هنوز در درجه دوم اهمیت قرار دارد. صنعت نفت ایران تنها یک کارکرد پایه‌ای داشته و آن نیز تأمین ارز بوده است.

نتیجه گیری:

در بررسی اقتصاد نفت این نکته مهم می باشد که قیمت نفت در بازارهای جهانی در حال تغییر است و قیمت نفت ربطی به سیاستهای نفتی ما ندارد زیرا تغییر پذیری قیمت نفت در واقع مربوط به تحولاتی است که در ساختار بازار جهانی نفت روی می دهد و آن هم به طور عمده ناشی از حذف نظام پولی «برتن وودز» و شناور شدن نرخ ارز در دهه ۱۹۷۰ است. هرگاه قیمت نفت تغییر کند درآمد حاصل از صادرات نفت هم تغییر خواهد کرد. بنابراین درآمدهای دولت که عمدتاً ناشی از درآمدهای نفتی است بی ثبات خواهد شد. ساختار اقتصاد ما آن چنان است که بین بخش نفت و سایر بخشهای تولیدی ارتباط چندانی نیست و با اگر هست بسیار ضعیف می باشد. اما از دیدگاه مالی رابطه بین درآمدهای نفتی و سایر بخشهای اقتصادی بسیار قوی است. همین پدیده باعث ایجاد عدم تعادل در اقتصاد ما شده است. بنابراین می توان در مورد کشورهایی نظیر ایران چنین نتیجه گیری نمود که اقتصاد این کشورها شامل چهار بخش می باشد که سه بخش آن شامل بخشهای صنایع، کشاورزی و خدمات تحت تأثیر بخش چهارم یعنی نفت می باشد.

به حجم اقتصاد و سطح به کار رفتن نفت به عنوان یک عامل تولید در آن کشورها برمی گردد. کشاورزی با تکنولوژی کاربر حجم قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد کشورهای در حال توسعه را شکل می دهد. بالا رفتن قیمت نفت اغلب سبب می شود که حساب جاری و بنابراین ترازپرداخت‌های این قبیل کشورها دچار مشکل گردد. این مسأله در مورد کشورهای فقیر و بدهکار و کشورهای تازه استقلال یافته با اقتصادی در حال گذار کاملاً قابل مشاهده است (موسا، ۲۰۰۰)

ج) کشورهای صادرکننده نفت

تأثیر افزایش درآمدهای نفتی بر کشورهای صادرکننده نفت از مباحث بحث برانگیز اقتصاد سیاسی است. به طور کلی و به خصوص در مورد ایران می توان این تأثیر را به نحوه هزینه کردن دولت، ساختار اقتصادی و رفتار دولت در داخل کشور مشاهده کرد. معمولاً در کشورهای صادرکننده نفت، درآمدهای صادرات نفت به عنوان درآمد بخش دولتی محسوب و از طریق خزانه وارد بودجه می شود. این مسأله سبب می گردد که درآمدهای نفتی از طریق ردیف هزینه‌های دولت به دو صورت جاری و عمرانی به اقتصاد کشور تزریق شود.

کارکرد منابع نفت در اقتصاد ایران

اهمیت بخش نفت در اقتصاد ایران به گونه ای است که رونق و فرو افتادن تولید و درآمد ناشی از آن همواره در جهت های مثبت و منفی بر روند تحولات اقتصادی کشور تأثیر می گذارد و رونق و یا رکود نسبی به همراه می آورد. طبعاً زمانی که تولیدات و درآمدهای دیگر بخشهای اقتصاد کشور، به ویژه گروه صنایع و معادن و خدمات مولد وابسته به آن، نتوانند جای بخش نفت را پر کنند، بخش یاد شده هم چنان اهمیت و اثرگذاری خود را در آینده نیز حفظ خواهد کرد. بخش نفت در دو زمینه اصلی در اقتصاد کشور نقش مهم و تعیین کننده داشته است و سهم عمده ای از تولید و درآمد ملی را به خود اختصاص می دهد:

منابع:

۱. شفیعی، سعید. (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر شوک های نفتی بر حساب جاری تراز پرداختها
۲. مهرآرا محسن و کامران نیکی اسکویی (۱۳۸۵)، «تکانه های نفتی و اثرات پویای آن بر متغیرهای کلان اقتصادی»
1. Arouri, M. E. I, H. Rault C., (2009), "Oil prices and stock markets: what drives what In the Gulf Corporation Council countries?", William Davidson Institute Working Paper.
2. Hamilton. James D, What is an oil shock?, Journal of Econometrics 113 (2003), pp363-398
3. Jones, C. M. and G. Kaul, (1996), "Oil and the stock markets", The journal of Finance, Vol. 51, No. 2, PP. 491-463.
4. Malik. Farooq, Hammoudeh. Shawkat, Shock and volatility transmission in the oil, US and Gulf equity markets, International Review of Economics and Finance 16 (2007), pp 357-368
5. Mussa, Michael (2000), "The Impact of Higher Oil Prices on the GlobalEconomy", IMF, Working Paper, December.